مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶/ تابستان ۱۳۹۸ / ص ۲۵۴-۲۴۸

حمایت های بین المللی در حقوق مالکیت معنوی محیط زیست

علیرضا اسلامی کلانتری[۱]
[۱] دانشگاه آزاد اسلامی،واحد میبد

نام نویسنده مسئول:
علیرضا اسلامی کلانتری

چکیده

نگرانی از دگرگونی آب و هوایی کنونی و تلاش در رسیدن به توسعه ی پایدار زیست محیطی، کشورها را به سمت استفاده از فن آوری های پاک سوق داده است. در این میان کشورهای در حال توسعه بیشتر گیرندگان فن آوری محسوب می شوند. علاوه بر این، کشورها بر آن شدند تا برای حفاظت از تنوع زیستی بومی خود حق حاکمیت ملی را در خصوص تنوع زیستی در مقررات خود مقرر دارند. علاوه بر این کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه در تلاش بودند تا حمایت قانونی از دانش سنتی حفظ محیط زیست که مهم ترین دانش در جلوگیری از افزایش بحران زیست محیطی محسوب می شود، به عمل آورند. اما این تلاش ها همواره موفق نبوده و در هنگام مذاکرات تصویب قوانین در کنوانسیون های بین المللی، کشورهای صنعتی اغلب مانع حمایت مورد نظر جوامع بومی می شده اند. در مورد دست یابی به فن آوری های پاک هم کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته با چالش حق قوی مالکیت فکری و انحصار قدرت در دست کشورهای توسعه یافته که خود مسبب سهم زیادی از آلودگی های کنونی شناخته می شوند، روبه رو می باشند.

واژگان کلیدی: حمایت ، بین المللی، حقوق مالکیت معنوی و محیط زیست.

مقدمه

حقوق مالکیت فکری از طریق حق ورقهی ثبت اختراع، حق اسرار تجاری، حق علائم تجاری و حقوق دیگری که در اختیار دارد به حفاظت از محیط زیست کمک خواهد نمود. هر چند که حق انحصاری مالی در اعمال این حقوق و مدت حمایت طولانی که گاهی برای آنها در نظر گرفته شده در مواردی می تواند موجب عدم انتقال این حقوق به قلمرو عمومی یا شخص دیگر شود. با این وجود، متعادل کردن منافع عمومی و خصوصی در حمایت از نوع آوری، اساس حقوق مالکیت فکری است.

رویکرد اسناد بین‌المللی به دنبال آشتی این دو گرایش متضاد توسعه یافته‌ها و در حال توسعه‌هاست. برای نمونه طبق پروتکل مونترال، کشورهای توسعه یافته موظف گشتند تا سال ۲۰۰۰ استفاده از گاز گلخانه‌ایCFC را از محصولات خود حذف نمایند اما برای کشورهای در حال توسعه مدتی تا سال ۲۰۱۰ برای انجام همین عمل داده شد، بودجه‌ای هم به همین منظور به کشورهای در حال توسعه اختصاص داده شد، هم چنین پروتکل موادی را در رابطه با انتقال تکنولوژی بر اساس شرایط منصفانه به کشورهای در حال توسعه تصویب نمود. آنچه اساسا مانعی در تحقق تعهدات کشورهای در حال توسعه تحت موافقات بین المللی محیط زیست است حقوق مالکیت فکری می‌باشد. (کوروکولاسوریا،و رابینسون:۱۳۹۰)

کنوانسیون تنوع زیستی تأکید دارد که انتقال فن آوری به کشورهای درحال توسعه باید با شرایط منصفانه و مطلوب، از جمله شرایط اعطایی ترجیحی مورد توافق دو طرف در شناسایی حقوق بالقوه مالکیتهای فکری متعهد باشند(بند۲ ماده ۱۶).

طبق بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون تنوع زیستی کشورهای عضو موظف هستند تسهیلات لازم را برای دسترسی و انتقال تکنولوژیهایی که مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی با استفاده از منابع ژنتیکی بوده و خسارت قابل ملاحظه ای به محیط زیست وارد نمی نمایند برای سایر کشورهای عضو تأمین یا تسهیل کنند. کشورهای عضو با تأیید این که حق امتیاز و سایر حقوق مالکیت فکری می‌تواند بر اجرای این کنوانسیون تأثیر بگذارد باید در این مورد بنابر قوانین داخلی و حقوق بین الملل به منظور حصول اطمینان از این که چنین حقوقی حامی این کنوانسیون بوده و مغایر با اهداف آن نخواهد بود همکاری کنند.[1]

کنوانسیون تنوع زیستی ضمن تأکید بر تسهیل دسترسی دولتها به تکنولوژی و انتقال آن، دانش سنتی و بومی را در راستای تکنولوژیهای مورد بحث قرار می‌دهد. برای مثال ماده‌ی ۱۷ کنوانسیون که دانشهای بومی و سنتی را در طول تکنولوژی تلقی نموده و این دو دانش را با یکدیگر کاملا قابل ترکیب می‌دانند. در این کنوانسیون این اعتقاد جاری می‌باشد که تکنولوژی بدون توجه به دانش سنتی محلی که معطوف به یک ناحیه سنّتی خاص می‌باشد از کارایی چندانی برخوردار نیست. مشابه همین وضعیت را در پروتکل کیوتو و پروتکل مونترال هم مشاهده می‌نماییم. ماده‌ی ۷ موافقت‌نامه‌ی تریپس آشکارا بیان می‌دارد که حقوق مالکیّت فکری باید در انتقال فن‌آوری به طرز مناسب به رفاه اقتصادی و اجتماعی کمک کند(بشیری نسب،۱۳۸۴: ۷۸).

تأثیر حقوق مالکیت فکری در تنوع زیستی

اینگونه مطرح شده است که مقررات تریپس و دیگر حقوق مربوط به مالکیت فکری تأثیرات مضری بر تنوع زیستی به ویژه تنوع زیستی کشاورزی داشته است. به طور کل مخالفت های مربوط به حمایت حقوق مالکیت فکری از تنوع زیستی به دو گروه مخالفت های مربوط به شرایط حمایت و اثر حمایت تقسیم می شود. برخی مدعی هستند حقوق مالکیت فکری استفاده از مواد شیمیایی مضر برای کشاورزی را ترویج می کند. به این معنی که ایجاد دانه ها و محصولات به صورت پیوندی و گونه های جدید دیگر را تشویق می نماید که بسته به طرز استفاده از مواد شیمیایی در تولید آنها از بهره وری بالایی برخوردار می گردند. یا در مثال دیگر حقوق مالکیت فکری، تولید محصولات اصلاح شده ژنتیکی را ترویج می کند (همان) که این عمل مضر به تنوع زیستی است از این جهت که همواره همراه با رشد آفت کش ها در بازار است. در ارتباط با محیط زیست استفاده ی بی رویه از آفت کش ها موجب نابودی دیگر گونه ی گیاهی خواهد شد. هم چنین آفت ها نسبت به سموم مقاوم گردیده و حتی آفت های جدیدی تولید می شود. استفاده از این کودها، آلودگی های آب، هوا و خاک را در پی دارد و اثرات مضر آن را بر سلامتی نمی توان نادیده انگاشت.

[1] - Goulven Katel et Galvin Marc ,(2000), « La diversité des règles de protection de la biodiversité et de la propriété intellectuelle » (dans : L'environnement dans les négociations commerciales bligeterals : un passage blige ? ed. Solagral, Paris Octobre 2000 p.41-61) www.ilbert&al-2000-div_reg_protec_iamm.fr

حقوق مالکیت فکری، مشوق بخش خصوصی برای ایجاد یکنواختی در تنوع بذر و محصول می شود. کاهش تنوع محصول موجب تحلیل تدریجی ژنتیک و تنوع اکوسیستمی می گردد. ادعای دیگر در رابطه با ناسازگاری قواعد مالکیت فکری با تنوع زیستی مربوط می شود به اینکه مقررات تریپس نتوانسته به طور کامل اجرای مؤثر نظام دسترسی و به اشتراک گذاری منافع" که تحت مادهی ۱۰ کنوانسیون تنوع زیستی پیش بینی شده بود را حمایت کند.

این ادعا از جانب کسانی مطرح شده که لازم می دانند تا تحصیل حمایت حقوق مالکیت فکری نسبت به اختراعات در برگیرندهی منابع ژنتیکی همراه با دو سند باشد. یکی گواهینامه ای در خصوص منشاء منبع ژنتیکی که نشان دهد آنها مطابق کنوانسیون تنوع زیستی تحصیل شده اند و دیگری اثبات رضایت اعلام شده ی قبلی از جامعه ی بومی با اطلاع و نظارت آنها نسبت به منابع مذکور هم چنین، اعمال حقوق مالکیت فکری نسبت به ماده ی ژنتیک گیاه، کشاورزان را در استفاده از بذر آنها محدود می کند، زیرا انواع گوناگون بذر ثبت شده نمی تواند به وسیلهی شخصی که حقوق ثبت انحصاری آن بذر را ندارد، مورد استفاده ی آینده برای رشد و نمو قرار بگیرد. از این رو کشاورزان با خطر وابستگی به عرضه کنندگان تجاری نسبت به برخی مواد حیاتی همانند بذرها مواجه هستند. در طی گذشت زمان های طولانی تر ممکن است این مسئله آلترناتیوهای پرورشی را برای جوامع و کشاورزان بومی و محلی کاهش دهد. در نهایت این امر منجر به هم شکلی ژنتیکی در گیاهان و دیگر گونه های تجاری شده می گردد که روز به روز نسبت به آفات و بیماریها آسیب پذیرتر می گردند. بنابر این سیستم های قوی حقوق مالکیت فکری می تواند فرسایش ژنتیکی را ارتقاء دهند. لذا حقوق مالکیت فکری قوی در حالی که برای حمایت و تسهیل انتقال تکنولوژیها مفید است موجب فرسایش و از بین رفتن گونه های تنوع زیستی می شود. مشکل دیگری که مخالفان حمایت حقوق مالکیت فکری از تنوع گیاهی بیان نموده اند این است که شرایط اخذ حمایت نیازمند یکنواختی و ثبات در صفات ضروری به منظور همگن نمودن گیاه است که در نتیجه موجب از دست رفتن تنوع خواهد شد و گیاه را در معرض خطر بیشتری از بیماری های آسیب پذیر قرار می دهد. علاوه بر این برای حمایت توجه به صرف تفاوت در زیبایی و شکل گیاه کافی است نه تفاوت در بهبود واقعی از نظر تنوع گیاهی؛ این امر گیاهانی را در تحت حمایت قرار می دهد که از نظر تجاری سود بالایی را فراهم می کنند نه گیاهانی که از نظر اهمیت تنوع گیاهی، دارای ارزش اجتماعی هستند.

موارد مطرح شده از جمله موارد منفی حقوق مالکیت فکری بر تنوع زیستی بود. در مقابل ادعاهای فوق، برخی بیان کرده اند که قواعد این حقوق ایجاد انگیزه می کند و مشوقی برای توسعه ی پایدار است؛ بدین طریق که با حمایت از اختراعات حاوی مواد بیولوژیک مشوقی برای حفاظت از چنین موادی به وجود می آورد. هم چنین دست کشورها را در شکل دادن به حقوق مالکیت فکری برای رسیدن به اهداف زیست محیطی و توسعه باز می گذارد و این کار را از طریق پیش بینی نظام حقوق ویژه برای حمایت از تنوع گیاهی در بند ب از بخش ۳ مادهی ۲۷ تریپس انجام داده است. به علاوه اسرار تجاری و نشانه های جغرافیایی از طرق مؤثر حمایت از تنوع گیاهی به‌شمار میروند.

نقش حقوق مالکیت فکری در فن آوری های سبز

نقش حقوق مالکیت فکری در انتقال فن آوری های سبز یک مفهوم خاص و پیچیده است. فن آوری به دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری تقسیم می گردد. «بخش سخت افزاری تکنولوژی از تجهیزات و ماشین آلات تشکیل شده و بخش نرم افزاری آن ناشی از تراوشات فکری انسان است و حمایت از این بخش را "حقوق مالکیت معنوی" بر عهده دارد.» حقوق مالکیت فکری قادر است که یک وضعیت انحصاری را در جایی که توزیع دانش به علت دسترسی مشروط و قیمت های بالاتر تکنولوژی های موافق آب و هوا محدود شده است، به وجود آورد. این اطمینان که از حقوق مالکیت فکری حمایت می شود دارندگان را تشویق می نماید تا تکنولوژی خود را به کشورهای دیگر انتقال دهند. اما فقدان حمایت مناسب از حقوق مالکیت فکری در کشورهای گیرندهی تکنولوژی می تواند مانع انتقال آن گردد. «حقوق مالکیت فکری می تواند بر ماهیت فن آوری های بکار رفته در شیوه های بهره برداری از منابع ژنتیک مؤثر بوده و چگونگی انتقال و کاربرد این فن آوری ها را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد (جمعیت صلح آبی :۱۳۸۳)

اختراعات زیست محیطی

فن آوری های زیست محیطی به دو دسته تقسیم می شوند. دسته ی اول کمک می نمایند تا بتوانیم خودمان را با تغییرات محیط زیست تطبیق دهیم. به عنوان مثال فن آوری هایی که برای دفاع و حفاظت در مقابل سیل یا طوفان های ناشی از دگرگونی های آب و هوایی، ابداع شده اند. این دسته از فن آوری ها، فن آوری های سبز با مفهوم خاص که بتواند اثر فعالیت های انسانی را بر محیط زیست کاهش دهد نمی باشند. دسته ی دوم فن آوری هایی هستند که به حفاظت از منابع طبیعی کمک می نمایند و هدف از ایجاد آنها کاهش اثرات ناشی از فعالیت های انسانی به خصوص فعالیت های صنعتی می باشد. این نوع از فن آوری ها، انواع مختلف فن آوری های مربوط به

انرژی های تجدیدپذیر (بادی، زیست توده و سلولهای خورشیدی یا فتوولتاییک) و فن آوری های کاهش مصرف سوخت را در بر می گیرند. بنابراین اختراعات دوست دار محیط زیست یا حامی یا سازگار با محیط زیست، اختراعاتی را شامل می شود که از لحاظ مادی کیفیت محیط زیست را ارتقاء دهند یا به توسعه و حفاظت از منابع انرژی کمک نمایند .

انتقال فن آوری

یکی از عوامل مهمی که باعث ایجاد شکاف توسعه یافتگی بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته شده است، تفاوت سطح دانش و تکنولوژی است. رشد سریع و ناگهانی تکنولوژی در دو دهه ی اخیر و پیش بینی رشد فوق العاده آن در آینده ای نه چندان دور یقینا به این تفاوت دامن خواهد زد. برای کاهش این فاصله و دسترسی کشورهای در حال توسعه به تکنولوژی روز دنیا دو راه وجود دارد؛ یکی تولید تکنولوژی و دیگری انتقال آن از کشورهایی که چنین تکنولوژی را در اختیار دارند.»

ریشه ی تکنولوژی از دو بخش تکنو به علاوهی لوژی تشکیل شده لذا فن آوری ترجمه ی دقیق تکنولوژی نمی باشد بلکه ترجمه ی اصطلاح تکنولوژی "فن شناسی" می باشد.

لیکن تسامحا هر دو را به یک معنا در نظر می گیرند. در تعریف فن آوری باید گفت که "انتقال فن آوری" اشاره به انتشار و اتخاذ فن آوری و دانش در بین احزاب، به طور معمول شرکتهای خصوصی، دانشگاه ها، مؤسسات مالی، دولتها و سازمانهای غیر دولتی دارد. در واقع انتقال فن آوری انتقال از نهاد و سازمانی که فن آوری را ایجاد کرده و گسترش داده به اشخاص دیگری است که در صدد هستند تا فن آوری و دانش را اتخاذ، اقتباس و از آن استفاده نمایند.۲ هیئت بین الدولی تغییرات آب و هوایی، انتقال فن آوری را در چارچوب کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد دگرگونی آب و هوا این گونه تعریف نموده است:

مجموعه ی گسترده ای از فرآیندها که جریان و انتقال دانش، تجربه و تجهیزات را به منظور کاهش و انطباق با تغییر آب و هوا در میان ذینفعان مختلف از جمله دولتها، نهادهای بخش خصوصی، مؤسسات مالی، سازمانهای غیردولتی (ان جی اوها) و مؤسسات آموزشی و پژوهشی پوشش می دهد.»(صادقی،۱۳۸۹ :۱۸)

هم چنین در تعریف دیگری از انتقال فن آوری آمده است: «انتقال تکنولوژی را می توان به صورت انتقال دارایی های فکری تکنولوژیکی از قبیل مانند مهارتها، دانشها، تجهیزات و روشهای ساخت از محل تولید شده با توسعه یافته به محل دیگر، از طریق روش های مرسوم قانونی و یا غیر آن تعریف نمود.» فن آوری به دو دسته ی "سخت" و "نرم" تقسیم می شود. فن آوری سخت تجهیزات و محصولاتی با هدف کاهش یا کنترل آلودگی و انتشار گازهای گلخانه ای و فن آوری نرم به اطلاعات مربوط به آموزش، تحقیق و ظرفیت سازی را در بر می گیرد.

انتقال تکنولوژی در متون بین المللی به طور غالب به فروش یا قراردادهای لیسانس مالکیت فکری مربوط می شود. اما در واقع انتقال تکنولوژی شامل هر روش و فرآیندی می شود که از طریق آن استفاده کنندگان در یک کشور می توانند به تکنولوژی موجود در کشوری دیگر دست یابند و از آن بهره برداری کنند. واردات بیش از اندازه ی دانش مبتنی بر ماشین آلات، | محصولات و لیسانس های مربوط به فرآیند محصولات، کشورهای در حال توسعه را «مصرف کنندگان تکنولوژی» یا «دریافت کنندگان منفعل» تکنولوژی های کشورهای توسعه یافته نموده است.

با استفاده از واژه های انتقال تکنولوژی» و «دسترسی» تنها موقعیت هایی را در نظر می گیریم که کشورهای در حال توسعه در آن قادر باشند که تکنولوژی را در تأسیسات و تجارت های خود به کار برده و اعمال کنند. زیرا قرارداد لیسانس مالکیت فکری یا قرارداد ملزم کننده ی دیگر مبتنی بر توسعه ی مشترک، مستندات، آموزش و دانش چگونگی را به دست آورده اند. بحث انتقال فن آوری بیشتر بر گرد «آموزش» نوعی راز و رمز تولید از یک طرف و فراگیری» و به کار بستن آن از طرف دیگر دور می زند؛ یعنی دست کم در تئوری، در حوزهی فرضیه های مربوط به «آموزش/ فراگیری» قرار داریم نه در حوزهی مسایل فنی و تکنیکی. یعنی سروکار ما با نرم افزارهای انسانی است نه با سخت افزارهای ماشینی، حتی اگر آموزش و فراگیری به طور مستقیم در رابطه با به کار انداختن و بهره برداری از این گونه ماشین ها باشد.

حقوق مالکیت فکری و انتقال فن آوری

برخی معتقدند حقوق مالکیت فکری، مشوقی ضروری برای تسریع نوآوری در مورد اختراعات سبز است و رعایت آن شرطی لازم و لاینفک در هر انتقال و توزیع بعدی فن آوری، محسوب می شود. این دیدگاه اجرا و حمایت قوی حقوق مالکیت فکری را می طلبد. از طرفی دیگر حقوق مالکیت فکری به عنوان یک مانع احتمالی در انتقال و توزیع گسترده تر فن آوری های سبز و دسترسی مقرون به صرفهی آنها دانسته می شود. در واقع مالکیت فکری هم یک محرک و هم یک مانع برای انتقال تکنولوژی محسوب می شود (همان).

تفاوت دیدگاه ها در این زمینه در مذاکرات کنوانسیون تغییرات آب و هوایی سازمان ملل نیز منعکس شده است. بسیاری از کشورها چون چین و هند مدعی اند که حقوق مالکیت فکری هزینه می مربوط به فن آوری های پاک را افزایش می دهد و مانع انتقال فن آوری به این کشورها می شود. بسیاری نیز مدعی اند که حقوق مالکیت فکری به خصوص ورقه های ثبت اختراع و لیسانس های بهره برداری از اختراع مانعی در تحقق انتقال فن آوری محسوب می شوند. آنها مدعی هستند خواسته های نامعقول و هزینه های زیادی که دارنده ی حق اختراع در ازای انتقال فن آوری خود از گیرنده تقاضا می نماید علت اصلی عدم تحقق دسترسی به فن آوری های پاک است. مثال های زیادی وجود دارد که می تواند چنین ادعایی را ثابت کند. برای نمونه در مورد "اچ اف سی - ۱۳۶ الف " ، که اسم یک مادهی شیمیایی بود که جایگزین گاز گلخانه ای برای خنک کردن یخچال شد، هنگامی که یک شرکت هندی خواهان لیسانس بهره برداری اختراع از شرکت آمریکایی دارنده ی حق شد، آنها دو پیشنهاد را مطرح نمودند. یکی مبلغ بسیار زیادی در ازای اجازهی بهره برداری و دیگر این که اجازه دهند تا شرکت آمریکایی مالک اکثریت سهام در سرمایه گذاری مشترک شود و هم چنین شرکت هندی محدودیت هایی در صادرات مواد تولیدی خود داشته باشد. هر دو گزینه ی پیشنهادی برای شرکت هندی غیر منصفانه و غیرقابل قبول بود.

البته به اعتقاد خانم گندی ، دکترین حقوق مالکیت فکری حقیقی، یک مانع انتقال تکنولوژی برای کشورهای در حال توسعه نیست؛ چون دکترین های حقوقی بر ضد کشورهای در حال توسعه تبعیض نمی نمایند و مالکیت فکری در این خصوص بی طرف عمل می کند. در واقع مشکل در عمل و اجراست نه در تئوری، یعنی کشورهای در حال توسعه فاقد قدرت چانه زنی برای تحصیل لیسانس های مربوط به تکنولوژی های آب و هوایی هستند و از سرمایهی لازم و بازار مناسب جهت توسعه ی این تکنولوژی ها برخوردار نمی باشند. در خصوص تکنولوژی های محیط زیستی مانند آن دسته که مربوط است به کاهش تغییرات آب و هوایی، دست یابی یا تحصیل حقوق مالکیت فکری آن تکنولوژی تنها شرط کافی و لازم برای انتشار و توسعه ی موفق تکنولوژی نیست؛ بلکه قرارداد لیسانس باید علاوه بر موارد مذکور با سرمایه گذاری در توسعه ی مهارت و دانش فنی در جهت ارتقای تکنولوژی به دست آمده باشد و این مهم به دست نمی آید مگر اینکه دانش نهفته در تکنولوژی نیز انتقال یابد و توانایی، منابع و تجهیزات در کشورهای در حال توسعه وجود داشته باشد. تکنولوژی که به موجب رژیم مالکیت فکری مورد حمایت قرار گرفته است به دلیل هزینه های بالای قراردادهای لیسانس ممکن است توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه قابل حصول نباشد. نقش مالکیت فکری تلاش در جهت حمایت از حقوق دارندگان تکنولوژی با استفاده از انحصاری کردن استفاده و محدود نمودن دست یابی به تکنولوژی و هم چنین افزایش هزینه های مربوط به انتقال آن است. دو مسئله در رابطه با حقوق مالکیت فکری باید مد نظر قرار گیرد. یکی پیش بینی مشوق های لازم و کارآمد برای تشویق مبدعان و نوآوران، تا به ابداع فن آوری جهت حل مشکلات زیست محیطی بپردازند. دوم پیش بینی مشوق هایی برای تجاری سازی، توزیع و اجرایی کردن این نوع فن آوری ها است. لذا لازم است تا سیاست هایی جهت ایجاد بازاری مناسب برای سرمایه گذاری جهت تولید و توزیع فن آوری اندیشیده شود.

به علاوه در مورد انتشار و توزیع فن آوری، باید بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یافته تفکیک قائل شد. کشورهای غربی از مشکلات کمی در این موضوع برخوردارند. به این دلیل که از حقوق محیط زیست خوبی برخوردارند که استانداردهای لازم را برای تولید فن آوری های زیست محیطی پیش بینی نموده است و به جهت حمایت مناسب، بازار خوبی هم برای فن آوری های زیستی دارند. هم چنین از حقوق مالکیت فکری لازم برای حمایت از فن آوری در مقابل سرقت و تجاوز برخوردارند. علاوه بر این، می توانند از عهدهی هزینه ی خرید فن آوری ها برآیند، از نیروی متخصص برخوردارند و انتقال فن آوری نیاز به انتقال دانش اضافی ندارد. در مقابل، کشورهای در حال توسعه فاقد نظام حقوقی زیست محیطی قوی می باشند تا از آن طریق استانداردهای مشخصی برای فن آوری های تولیدی داخل تعیین نمایند؛ مانند قانون آب یا هوا در آمریکا که به تعیین استانداردها پرداخته است. این دسته از کشورها برای اجرایی کردن نیاز به نیروی متخصص دارند و از اطلاعات فنی لازم برای کاربرد فن آوری بی بهره اند. برای حل این مشکلات اغلب از طریق قوانین بین المللی محیط زیستی یا کنوانسیون ها برای متعهد کردن کشورهای توسعه یافته در کمک به انتقال فن آوری اقدام می کنند.

نتیجه گیری

در طی ۲۰ سال گذشته نقش حقوق مالکیت فکری در تنظیم جریان جهانی دانش و فن آوری اهمیت بسیاری یافته و به طور گسترده ای مورد بحث واقع شده است. هم چنین، در حال حاضر توسعه ی پایدار از مهم ترین چالش های کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه محسوب می شود. پژوهش حاضر می تواند به عنوان سرآغاز مباحث حقوق مالکیت فکری در پایداری محیط زیست تلقی شود. بیان مصادیق مذکور به معنای حصری بودن آنها تلقی نمی شود چرا که با پیشرفت فن آوری در آینده، احتمال پیدایش مصادیق دیگری در این باره وجود دارد. حقوق مالکیت فکری عامل کلیدی در دست یابی به توسعه ی پایدار و تحقق اقتصاد سبز محسوب می شود. زیرا با اعطای حق انحصاری، انگیزهی لازم را برای سرمایه گذاری و نوآوری فراهم می کند و از این طریق موجب رشد تولید و توزیع فن آوری های دوست دار محیط زیست در سطح جهانی خواهد شد. یکی از دلایل سرمایه گذاری صنایع بر تحقیق و توسعه، انتظار از برخورداری امتیاز و سود بالاتر نسبت به رقبا است. حقوق مالکیت فکری از نتایج سرمایه گذاری حمایت می کند؛ از اینرو موجب انگیزه در سرمایه گذاری در فعالیت های تحقیق و توسعه ی ابداعات سبز می گردد. بنابراین از آنجا که حقوق مالکیت فکری ابزار تشویق و ارتقاء نوآوری است حمایت قوی و مؤثر از آن عامل اساسی و تعیین کننده در تسهیل موجبات دسترسی به فن آوری و نیز در جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش مربوط به فن آوری های دوست دار محیط زیست می گردد. این امر برای توسعه ی پایدار و تحقق اقتصاد سبز امری حیاتی تلقی می شود. حمایت کافی از مخترعان و نوآوران و تسهیل ثبت ملی و بین المللی حقوق مرتبط با ابداعات زیست محیطی می تواند ضمن حفاظت از سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه ی انجام شده در این زمینه، مشوقی برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی در رشد نوآوری باشد. همچنین جلوگیری از اختفای فن آوری و دانش چگونگی، انتشار دقیق و کامل فن آوری جدید و اطلاعات مربوط به آن، جلوگیری از تحقیقات تکراری و موازی و صرف هزینهی زائد، تسهیل دسترسی به تکنولوژی و تشویق و ترغیب به امر سرمایه گذاری را می توان از اثرات مهم حمایت قوی حقوق مالکیت فکری برشمرد.

بر عکس، عدم حمایت کافی از اختراع و نوآوری در این حوزه و نبود امنیت حقوقی لازم برای تضمین حقوق مخترعان و نوآوران و هم چنین فقدان مکانیزم مؤثر برای تحصیل حقوق مربوط به ابداعات زیست محیطی در سطح ملی و بین المللی موجب می شود که بسیاری از اختراعات و نوآوری ها در اختیار جوامع گذاشته نشود یا تنها در محدوده ی کشور حمایت کننده توزیع شود. این امر می تواند پیامدهای منفی زیادی از جمله: محروم شدن کشور و افراد آن از نتیجه ی ابتکار و نوآوری، عدم اشتیاق و رغبت به سرمایه گذاری و ابداع نوآوری شود. هم چنین جلوگیری از انتقال فن آوری دوست دار محیط زیست را در پی داشته باشد. این مسائل به ویژه در شرایط کنونی که ایران سعی در پیوستن به سازمان جهانی تجارت دارد، از جهت ایجاد بسترهای لازم، از اهمیتی مضاعف برخوردار است.

مراجع

۱. کوروکولاسوریا، ال و نیکلاس رابینسون (۱۳۹۰)، مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمهٔ سید محمدمهدی حسینی، انتشارات میزان، چ اول.

۲. بشیری نسب محمود، (۱۳۸۴)،« الزامات سیستم مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست در پروژه های انتقال تکنولوژی»، ارایه شده در اولین همایش ملی مهندسی ایمنی و مدیریت.HSE

۳. صادقی، محسن (۱۳۸۹)، «تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان شهرها»، مجلهٔ پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ش ۱۸.

۴. صفایی، سید حسین .دوره مقدماتی حقوق مدنی. جلد اول: اشخاص و اموال .چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲، شابک -۹۶۴ ۵۹۹۷-۹۲-۵

۵. عبداللهی، محسن. معرفی، سعیده، (۱۳۸۹)،« اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۲۹.

۶. فرضی مریم، (۱۳۸۸) « همگرا کردن حمایت از مالکیتهای فکری و سیاست توسعه»، مجله اطلاع رسانی حقوقی، ش ۱۸و ۱۷.

7. Goulven Katel et Galvin Marc ,(2000), « La diversité des règles de protection de la biodiversité et de la propriété intellectuelle » (dans : L'environnement dans les négociations commerciales bligeterals : un passage blige ? ed. Solagral, Paris Octobre 2000 p.41-61) www.ilbert&al-2000-div_reg_protec_iamm.fr